

تغییرات قاعده اجتماع سبب و مباشر با لحاظ آخرین تحولات قانون گذاری در ایران (ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲)

احمد حاجی‌ده‌آبادی

دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳)

چکیده

از تغییرات مهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ماده ۵۲۶ است. مطابق قوانین قبلی در اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب اقوی باشد. این ماده سه تغییر اساسی را در این قاعده ایجاد کرده است: حذف اصل استناد جنایت به مباشر، امکان استناد هم‌زمان جنایت به سبب و مباشر، و پذیرش ضمان سهمی یا توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار. این سه نوآوری نه تنها در دیات، بلکه در کل مباحث مسئولیت مدنی و حتی گاه فاضل دیه پرداختی برای قصاص تأثیر شگرفی دارد. در این تحقیق، با روش کتابخانه‌ای، ضمن تبیین این سه نوآوری و برخی نکات دیگر، به تحلیل حقوقی ماده فوق پرداخته شد. برخی نتایج حاکی از آن بود که اولاً در مواردی که دخالت سبب در وقوع تلف و جنایت مسلم است، اما، استناد تلف و جنایت به مباشر یا سبب یا هر دو مشکوک است، اصلی نیست که مقرر دارد همیشه تلف فقط به مباشر مستند است. ثانیاً مواردی در فقه و حقوق یافت می‌شود که تلف هم به سبب هم به مباشر مستند است. ثالثاً ضمان سهمی (توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار) به اجتماع سبب و مباشر در جنایت اختصاص ندارد، بلکه در اجتماع مباشرین و اجتماع عرضی اسباب و نیز در تلف اموال باید بدان قائل شد.

کلیدواژگان

اجتماع سبب و مباشر، استناد، توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار، سبب اقوی از مباشر، ضمان سهمی.

مقدمه

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قوانین جزایی قبلی حاوی نوآوری و تغییرات مهمی است. یکی از نوآوری‌های بسیار مهم در مبحث جنایات ماده ۵۲۶ است. مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی، اگر در وقوع تلف سبب و مباشر نقش داشته باشند، مباشر مسئول است؛ مگر اینکه سبب اقوی باشد. ماده ۲۴ قانون دیات ۱۳۶۱ و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هم درباره جنایت مقرر می‌داشتند: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.» بنابراین، اولاً اصل آن است که مباشر ضامن است. ثانیاً در هر حادثه‌ای یا مباشر ضامن است یا سبب. اگر مباشر اقوی یا برابر با سبب باشد، مباشر ضامن است و اگر سبب اقوی باشد، سبب ضامن است. بنابراین نمی‌توان هم سبب هم مباشر را ضامن دانست. ثالثاً وقتی نمی‌توان جنایت را به هر دو مستند دانست، موضوع ضمان سهمی و توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار منتفی است. ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ قاعده اجتماع سبب و مباشر را بدین شکل آورده است: «ماده ۵۲۶ - هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد؛ که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند.»

بنابراین اولاً نمی‌توان گفت در اجتماع سبب و مباشر مباشر ضامن است، بلکه کسی ضامن است که جنایت مستند به اوست. ثانیاً ممکن است جنایت هم به سبب هم به مباشر مستند باشد. ثالثاً در جایی که جنایت به هر دو مستند باشد بر حسب میزان تأثیر رفتارشان ضامن‌اند، مگر اینکه میزان تأثیر رفتارشان معلوم نباشد یا برابری تأثیر رفتار سبب و مباشر معلوم باشد؛ که در این صورت به طور مساوی ضامن‌اند. پژوهش حاضر درباره این ماده به خصوص سه نوآوری آن است. ابتدا به اصل ضمان مباشر در فرض اجتماع سبب و مباشر می‌پردازیم (الف). آنگاه دومین نوآوری ماده ۵۲۶، که امکان استناد جنایت به سبب و مباشر است، را بررسی می‌کنیم (ب). سپس به موضوع ضمان سهمی (ج) می‌پردازیم. نسبت ماده ۵۲۶ با ماده ۳۳۲ ق.م. موضوع بعدی مقاله است (د). در نهایت نبودن اطلاق برای ذیل ماده ۵۲۶ و لزوم اصلاح آن را بررسی می‌کنیم (ه).

الف) درنگی درباره اصل ضمان مباشر در فرض اجتماع سبب و مباشر

ظاهر ماده ۳۳۲ ق.م. و ماده ۳۶۳ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و ماده ۲۴ قانون دیات ۱۳۶۱ آن است که مباشر در سه صورت ضامن است. یکی اینکه اقوی از سبب باشد، دوم اینکه برابر با سبب باشد، و سوم اینکه وضعیت او نسبت به سبب معلوم نباشد که آیا مباشر اقوی است یا سبب؛ یعنی معلوم نباشد که تلف و جنایت به کدام مستند است. این اصل در نگارش ماده ۵۲۶ نادیده انگاشته شده است. ممکن است گفته شود مواد فوق و عبارات فقها اصلاً ناظر بر فرض شک نیست. به واقع، وقتی در اصل استناد جنایت به مباشر شک و تردید وجود دارد، چنانکه در استناد آن به سبب هم تردید وجود دارد، به چه دلیل مباشر تنها مسئول حادثه تلقی شود؟ ابتدا باید کلمات فقها بررسی شود و اینکه آیا می‌توان تأسیس اصل کرد و مبانی اصل یادشده و حکم شک در این زمینه چیست تا آن‌گاه روشن شود آیا ماده ۵۲۶ از این اصل چشم‌پوشی کرده است یا خیر.

الف - ۱. نگاهی به عبارات فقها

بررسی کلمات فقها نشان‌دهنده آن است که گرچه فقها همگی می‌گویند در اجتماع سبب و مباشر مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد، این جمله اصل ناظر بر فرض شک نیست. زیرا اصلاً صحبتی از شک به میان نیامده است. این مطلب به‌خصوص از مثال‌هایی فهمیده می‌شود که برای این قاعده ذکر کرده‌اند و واضح است که در آن مثال‌ها مباشر ضامن است. مثلاً محقق حلی می‌نویسد: «اگر سبب و مباشر جمع شوند، مباشر بر سبب مقدم است؛ مثل کسی که چاهی در ملک دیگری عدواناً حفر می‌کند و دیگری انسانی را در آن چاه می‌اندازد که در این صورت ضمان ناشی از پرت کردن بر عهده دافع است» (حلی ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۸۶). علامه حلی می‌نویسد: «مثل اینکه برده دیگری بیاید و خویش را در چاه بیندازد که در این صورت ضمانی بر حافر نیست» (حلی ۱۳۸۸: ۳۷۵). اما آیا می‌توان تأسیس اصل کرد و اصل را بر ضمان مباشر دانست؟

الف - ۲. اصل ضمان مباشر؛ دارای مبانی یا فاقد مبانی؟

ممکن است گفته شود قوت استناد جنایت و تلف به مباشر باعث می‌شود بتوان اصل را بر ضمان مباشر دانست. فرض آن است که جنایتی و تلفی رخ داده که مباشری داشته که آن را مستقیم و بدون واسطه انجام داده و مباشر آن بوده و نیز جنایت سببی داشته که آن را مستقیم انجام نداده،

اما، در وقوع آن نقش داشته است. بدون شک، عرفاً تلف همیشه به مباشر استناد دارد و نیاز به اثبات ندارد. خلاصه اینکه ضمان مباشر هیچ دلیل خاصی نمی‌خواهد.

اما پاسخ آن است که اولاً قوت استناد جنایت به مباشر فقط می‌تواند ضامن بودن او را اثبات کند نه ضمان انحصاری او را. حال آیا می‌توان نسبت به مقدار زاید اصل براءت ذمه را در حق مباشر جاری دانست؟ ثانیاً قوت استناد جنایت به مباشر در فرضی است که احراز شود مباشر بالغ، عاقل، عالم، و مختار بوده و در محل بحث چون این امور مشکوک است باعث می‌شود در استناد تلف به مباشر شک وجود داشته باشد. آیا با وجود شک در بلوغ، عقل، علم، یا اختیار مباشر باز هم می‌توان گفت استناد جنایت به مباشر عرفاً قوی‌تر است؟

ممکن است گفته شود رابطه سببیت میان سبب و تلف را قطع می‌کند و در نتیجه جنایت به او مستند می‌شود. چنان که اگر کسی دیگری را به قصد کشتن از بلندی پرت کند، ولی، نفر سومی بین راه او را با شمشیر دو نیمه کند، فرد سوم قاتل به شمار می‌رود (حلی ۱۴۱۳: ج ۳، ۵۹۲). زیرا مرگ بر اثر سقوط حاصل نشده است.

در پاسخ باید گفت قیاس سبب و مباشر به مثال یادشده صحیح نیست. زیرا در این مثال دو مباشر هستند که یکی با رفتارش رابطه سببیت دیگری را قطع کرده است؛ درحالی‌که در محل بحث سبب باعث شده رفتار مباشر تأثیر کند و اگر حفر چاهی صورت نمی‌گرفت، پرت کردن هیچ تأثیری در مرگ ایجاد نمی‌کرد. بنابراین، نمی‌توان گفت مباشر رابطه سببیت سبب با تلف را قطع کرده است؛ بلکه آن را تکمیل کرده است.

الف - ۳. حکم شک در استناد جنایت به مباشر و سبب بر اساس اصول عملیه

بحث در مواردی است که اصل وجود سبب در کنار مباشر محرز است. اما ضعف سبب به گونه‌ای که جنایت فقط مستند به مباشر باشد محرز نیست. مثلاً محرز است که ج الف را تهدید بر قطع گوش ب کرده است، اما الف مدعی است تهدید غیر قابل تحمل بوده و در نتیجه ج باید قصاص شود و ج مدعی است قابل تحمل بوده است و در نتیجه الف باید قصاص شود. در این موارد چه باید کرد؟ برای استناد جنایت به سبب تنها، باید موارد اقواییت سبب از مباشر و حکم شک را بررسی کرد. مطابق ذیل ماده ۵۲۶: «در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر،

غیرممیز، مجنون، و مانند آن‌ها باشد فقط سبب ضامن است.» حال حکم شک در هر یک از موارد مذکور را باید بررسی کرد تا روشن شود اصل بر ضامن مباشر است یا خیر.

۱. **سبب دارای اختیار و مباشر فاقد اختیار.** در فرض شک، اگر مباشر ادعا کند که فاقد اختیار بوده است، مطابق اصل اختیاری بودن اعمال، او ملزم به اثبات ادعایش است. بنابراین، او دارای اختیار محسوب می‌شود. منتهی، این مقدار اصل ضامن مباشر را ثابت می‌کند. اما اینکه او تنها ضامن باشد در فرضی است که ثابت شود سبب فاقد اختیار بوده یا اختیارش به اندازه‌ای ضعیف بوده که جنایت به او مستند نیست. طبعاً اصل اختیاری بودن اعمال، که در مورد سبب هم جاری می‌شود، جلوی این احتمال را می‌گیرد. بنابراین، اگر شک در استناد جنایت از جهت فقدان و وجود اختیار در سبب و مباشر باشد، اصل اختیاری بودن اعمال اجازه نمی‌دهد که جنایت را فقط به سبب یا فقط به مباشر مستند بدانیم. بنابراین نمی‌توان گفت فقط مباشر ضامن است.

۲. **سبب عالم و مباشر جاهل.** اگر مباشر مدعی جهل باشد یا سبب مدعی جهل باشد چه باید کرد؟ مثلاً الف و ب بر ارتکاب قتل ج توسط د شهادت دهند و ه که ولی دم ج است د را قصاص کند و بعد نادرستی شهادت روشن شود. مسئله از حیث جهل و علم سبب و مباشر چند حالت دارد:

۱. هم شهود مدعی باشند که از واقعیت اطلاع نداشته‌اند و د را با قاتل واقعی اشتباه گرفته‌اند و هم ه که مباشر قصاص است مدعی جهل به واقعیت باشد. این در حالی است که ولی دم د ادعا می‌کند شهود و ولی دم ج بر قتل د تبانی کرده و شهادت کذب داده‌اند و اجرای قصاص به‌رغم علم به نادرستی شهادت بوده است. در اینجا چه اصلی حاکم است؟ به نظر می‌رسد اینجا استصحاب جهل هم در ناحیه سبب هم در ناحیه مباشر جاری است. البته استصحاب جهل ارتکاب جنایت عمد را نفی می‌کند. حال جنایت به هر دوی سبب و مباشر مستند است یا فقط به سبب یا فقط به مباشر؟ به نظر می‌رسد، اگر لوث نباشد، نمی‌توان گفت جنایت فقط به مباشر مستند است و فقط او ضامن است.

۲. اگر ثابت شود که سبب عالم بوده، ولی، مباشر ادعای جهل کند یا، برعکس، ثابت شود که مباشر عالم بوده، ولی، سبب ادعای جهل کند، چون کسی که حرفش مطابق اصل است منکر به شمار می‌رود، مدعی جهل منکر محسوب می‌شود و با قسم خوردن ضامن بر عهده طرف مقابل،

که ممکن است سبب و ممکن است مباشر باشد، استقرار می‌یابد. بنابراین، در اینجا (شک در علم و جهل) هم نمی‌توان گفت اصل بر ضمان مباشر است و همیشه مباشر تنها فرد ضامن و مسئول تلف یا جنایت است.

۳. سبب دارای رضایت و مباشر فاقد رضایت. اگر ثابت شود که الف ب را تهدید به قطع گوش کرده است، اما، ب مدعی اکراه غیر قابل تحمل و الف مدعی تهدید قابل تحمل باشد، آیا می‌توان گفت اصل بر ضمان مباشر، یعنی اکراه‌شونده، است؟ مثلاً اگر ثابت شد که ج الف را تهدید کرده و از او قطع گوش ب را خواسته است، لکن، الف مدعی باشد ج گفته گوش ب را قطع کن، و گرنه تو را می‌کشم، و در نتیجه قطع گوش طبق ماده ۳۷۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ به ج مستند است، اما، ج مدعی است که صرفاً الف را تهدید کرده و وعید کمتر از قتل بوده و گفته گوش ب را قطع کن، و گرنه به تو سیلی می‌زنم، در اینجا چه باید گفت؟ آیا اصل بر ضمان مباشر است؟ چرا؟ با توجه به اینکه اکراه‌شونده اختیار دارد، ولی، رضایت ندارد، اصل چه چیزی را اقتضا می‌کند؟

ممکن است گفته شود پاسخ مثبت است. زیرا باز اصل اختیاری بودن اعمال دلالت می‌کند کسی که مدعی اکراه غیر قابل تحمل است اکراه را اثبات کند و در نتیجه مباشر مسئول است. نیز ممکن است بگوییم در اینجا که اصل تهدید مسلم است عقلاً در شک میان اکراه غیر قابل تحمل و تهدید قابل تحمل چنین اصلی ندارند که مدعی اکراه باید اکراه را اثبات کند. اما، ظاهراً چنین نیست؛ یعنی عقلاً باز اصل را بر مسئولیت مباشر می‌دانند. در ارزیابی نهایی به نظر می‌رسد نمی‌توان ضمان را در این فرض فقط متوجه مباشر دانست. زیرا از یک سو به نظر می‌رسد هر کس کاری را با اختیار انجام دهد رضایت هم داشته است. بنابراین ادعای مباشر پذیرفته نیست که اکراه غیر قابل تحمل بوده است. از سوی دیگر غالباً عقلاً به صرف تهدید و اکراه قابل تحمل زیر بار دیگری نمی‌روند و مرتکب عملی که خلاف میلشان است نمی‌شوند؛ به‌خصوص اگر از ایشان عملی مجرمانه، مثل قطع گوش دیگری در قبال مثلاً سیلی خوردن، آن هم یک سیلی، خواسته شود. پس ادعای سبب مبنی بر قابل تحمل بودن تهدید پذیرفته نیست. بنابراین، باز هم در اینجا هیچ اصلی وجود ندارد که حکم شک را روشن کند و ضمان را فقط متوجه مباشر بداند.

۴. سبب بالغ و مباشر نابالغ. استصحاب عدم بلوغ باعث می‌شود که مدعی عدم بلوغ منکر

محسوب شود و با قسم حرفش پذیرفته شود و مدعی بلوغ مدعی به شمار رود که باید آن را اثبات کند. در نتیجه: الف) اگر ثابت شود که سبب بالغ بوده و مباشر مدعی عدم بلوغ حین ارتکاب جنایت باشد، حرف او با قسم پذیرفته می‌شود و جنایت به سبب مستند است. در نتیجه، اصل ضمان مباشر ثابت نمی‌شود. ب) اگر ثابت شود که مباشر بالغ بوده، ولی، ادعا کند که سبب هم بالغ بوده تا احیاناً جنایت به او هم مستند بوده و بخشی از مسئولیت بر عهده سبب باشد، ولی، سبب منکر بلوغ باشد، استصحاب عدم بلوغ رافع ضمان سبب از جنایت، به خصوص جنایت عمدی، است و در اینجا اصل بر ضمان مباشر است. ج) اگر هم سبب هم مباشر هر دو ادعای عدم بلوغ کنند، استصحاب عدم بلوغ استناد جنایت عمدی را منتفی می‌سازد. اما اینکه جنایت غیر عمدی به هر دو مستند است یا به یکی را روشن نمی‌سازد و کماکان مشکل باقی می‌ماند. مثلاً اگر نابالغی نابالغی دیگر را اکراه بر جنایت کند، به فرض اینکه در استناد جنایت به اکراه‌کننده تردید باشد، چه باید کرد؟

حاصل بحث این است که نمی‌توان در همه فروض اصل را بر ضمان مباشر دانست.

۵. سبب عاقل و مباشر مجنون. در اینجا، در فرض شک، اگر حالت سابق مباشر روشن باشد، بر همان اساس عمل می‌شود و در نتیجه اگر حالت سابق مباشر جنون بوده، جنایت به سبب مستند می‌شود؛ به شرط آنکه اقوی از مباشر باشد. اگر حالت سابق عقل باشد، نهایت حالتی که ایجاد می‌شود امکان استناد جنایت به مباشر است، نه اینکه جنایت فقط به او مستند شود. پس باز اصل ضمان مباشر از این رهگذر ثابت نمی‌شود. اگر حالت سابقه معلوم نباشد، می‌توان بر اساس اصل غلبه عقل بر جنون عمل کرد و حکمش مانند فرض قبلی می‌شود. در نتیجه نمی‌توان بر اساس اصول عملیه اصل را بر ضمان مباشر دانست. نتیجه آنکه نمی‌توان بر اساس اصول عملیه، که در مورد حالات عارض بر سبب و مباشر جاری می‌شود، حکم شک را روشن ساخت و باید به اصول دیگر مراجعه کرد. طبعاً نمی‌توان به اصل برائت درباره هر یک رجوع کرد. زیرا علم اجمالی داریم که عامل و مسئول حادثه خارج از سبب و مباشر نیست. گرچه اصل برائت در حق مباشر به تنهایی جاری می‌شود، معارض است با اصل برائتی که به همین نحو در حق سبب جاری است. در نتیجه

هر دو اصل برائت تعارض و تساقط می‌کنند. حال یا باید به قرعه رجوع کرد یا به تنصیف دیه در حق هر یک حکم داد یا به بیت‌المال رجوع کرد. در ادامه این مطلب را پی می‌گیریم.

الف - ۴. حکم شک در استناد تلف به مباشر و سبب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

بر این مبنا که نپذیریم در اجتماع سبب و مباشر اصل بر ضمان مباشر است و ماده ۵۲۶ هم این اصل را نپذیرفته و نیاورده است، در فرض شک از منظر قانون چه باید کرد؟ جنایتی رخ داده و سبب و مباشری دارد. ولی قوت سبب و ضعف مباشر یا ادعاهای مختلف این دو باعث شده قاضی نداند و نتواند احراز کند که آیا جنایت فقط به مباشر مستند است یا به سبب یا هر دو.

ممکن است گفته شود راه درست رجوع به قواعد علم اجمالی است. در حال حاضر دو ماده از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حکم آن را بیان کرده‌اند. از یک سو ماده ۴۸۲ مقرر می‌دارد: «در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت عمدی باشد، قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می‌شود.» و از سوی دیگر مطابق ماده ۴۷۷: «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت وجود لوث بر برخی از اطراف علم اجمالی، طبق مواد قسامه در این باب عمل می‌شود و در صورت عدم وجود لوث، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود.»

اما به نظر می‌رسد این راه صحیح نیست. زیرا مواد ۴۷۷ و ۴۸۲ در فرضی‌اند که می‌دانیم قتل فقط به یک نفر مستند است، ولی، نمی‌دانیم به کدام یک مستند است. اما محل بحث جایی است که احتمال می‌دهیم جنایت فقط به سبب یا فقط به مباشر مستند است و نیز احتمال می‌رود به هر دو مستند باشد.

به نظر می‌رسد در اینجا می‌توان حکم به تنصیف دیه و به عبارت بهتر تقسیم دیه میان سبب و مباشر داد. مستند این موضوع ماده ۴۷۹ است: «هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن‌ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی بپردازند.»

گرچه این ماده مقرر داشته «جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد»، یقیناً شامل محل بحث، که محتمل است جنایت به هر دو عامل (سبب و مباشر) مستند باشد، می‌شود.

ب) امکان استناد جنایت به سبب و مباشر و اشاره به برخی موارد آن

بحث را در دو قسمت پی می‌گیریم؛ یکی تبیین و دیگری اشاره به برخی موارد استناد جنایت به مباشر و سبب.

ب - ۱. تحلیل ماده ۵۲۶ در استناد جنایت به سبب و مباشر

ماده ۵۲۶ مقرر می‌دارد: «... و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد...» در مورد اینکه مقصود قانون‌گذار از این عبارت چیست دو نظر دیده می‌شود. نظر اول آن است که مقصود قانون‌گذار اجتماع عرضی سبب و مباشر است و فقط در این اجتماع است که جنایت می‌تواند به هر دو مستند باشد. اجتماع عرضی دو عامل به معنای تأثیر هم‌زمان دو عامل است. مثلاً الف و ب قصد کشتن ج را دارند. الف به سمت او تیراندازی می‌کند و ب سگی را به سمت او برمی‌انگیزاند و ج در اثر تیری که به او اصابت می‌کند و جراحی که سگ وارد می‌کند می‌میرد. یا اینکه «الف» مبادرت به مصدوم نمودن (ب) نماید و (ب) در حال فرار از دست (الف) به چاهی فروافتد که (ج) با سبق تصمیم در مسیر فرار (ب) حفر کرده باشد. در این صورت اگر مرگ (ب) ناشی از جمع صدمات (الف) و صدمات ناشی از سقوط در چاه باشد، جنایت مستند به مباشرت (الف) و تسبیب (ج) خواهد بود.» (آقایی نیا ۱۳۹۴: ۷۵).

اما به نظر می‌رسد این سخن صحیح نیست و این ماده در مقام اجتماع عرضی سبب و مباشر نیست؛ بلکه در مقام اجتماع طولی سبب و مباشر است یا لاقلاً اطلاق دارد و شامل هر دو می‌شود. توضیح اینکه در مثال یادشده و نظایر آن در واقع دو جنایت رخ داده؛ یکی جراحی ناشی از تیر و دیگری جراحی ناشی از دندان گرفتن سگ. و شخص ب که سگ را رها کرده هیچ‌گونه سببیتی به الف که چاقو زده ندارد. در واقع، در اینجا دو مباشر و یک سبب وجود دارد؛ یکی الف که تیر زده (مباشر) و دیگری ب و سومی سگ که ب سبب و سگ مباشر است. اما کار ب هیچ ربطی به الف ندارد. اینکه در این موارد جنایت به هر دو مستند است محل تردید نیست و نیاز به بیان ندارد؛ چنان‌که فقها هم فروعاتی را در این زمینه مطرح کرده‌اند (← خوبی ۱۴۲۲، ج ۴۲، ۳۰ - ۳۱).

اما با توجه به اینکه ماده ۵۲۶ جایگزین ماده ۳۶۳ است، فرض آن است که یک جنایت رخ داده که این یک جنایت سبب و مباشری دارد و جنایت به هر دو مستند است. به تعبیر دیگر در اجتماع عرضی سبب و مباشر معنا ندارد بگوییم اصل بر ضمان مباشر است و معنا ندارد بگوییم اگر سبب اقوی باشد، فقط سبب ضامن است. در اجتماع عرضی سبب و مباشر مقایسه این دو بی معنا و به تعبیر بهتر بی فایده و بدون تأثیر است و نمی توان گفت یکی اقوی از دیگری است؛ به گونه ای که جنایت فقط بدان مستند است. در اجتماع اسباب به نحو عرضی هم اقوی بودن تأثیر ندارد و همه ضامن اند. مثلاً اگر چهار نفر بر ارتکاب زانی با محارم کسی شهادت بدهند و سه نفر علم به کذب بودن شهادت داشته باشند و نفر چهارم اشتباه کرده و مشهود علیه را با زانی واقعی اشتباه گرفته باشد، هر چهار نفر شریک قتل او هستند. نهایتاً شهود عالم شرکت در قتل عمد کرده و نفر جاهل مرتکب قتل شبه عمد شده است. پس ماده ۵۲۶ در مورد اجتماع عرضی سبب و مباشر نیست.

ب - ۲. مواردی از استناد جنایت به سبب و مباشر یا مسئول بودن هر دو

آیا می توان مثال یا مثال هایی یافت که در آن جنایت و تلف هم به سبب مستند باشد هم به مباشر یا هر دو مسئول تلف و جنایت شناخته شوند؟ پاسخ مثبت است. البته باید سه نکته را مدنظر قرار داد.

نکته اول. می توان این بحث را در عبارات و نوشته های آن دسته از فقها و حقوقدانانی که فرض برابری سبب و مباشر را پذیرفته اند پی گرفت. البته به شرط آنکه در این فرض باز اصل را بر ضمان مباشر ندانند. برخی برابری سبب و مباشر را پذیرفته اند؛ گرچه باز مباشر را ضامن می دانند (خمینی، بی تا: ۵۶۹). قانون دیات ۱۳۶۱ مقرر می داشت: «ماده ۶۹ - هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی به نحو سبب و دیگری به نحو مباشر دخالت داشته باشد، در صورتی که تأثیر هر دو برابر هم باشد یا تأثیر مباشر بیشتر باشد، فقط مباشر ضامن است.» برخی برابری سبب و مباشر را پذیرفته اند و هر دو را به طور مساوی ضامن می دانند (امامی ۱۳۷۱، ج ۱، ۳۹۶).

نکته دوم. نمی توان برای استناد جنایت به سبب و مباشر از ملاک ماده ۵۳۵ استفاده کرد. این ماده، که درباره اجتماع اسباب طولی است، بعد از آنکه سبب مقدم در تأثیر را مسئول حادثه معرفی می کند، فرضی را که همه اسباب قصد ارتکاب جنایت داشته باشند شرکت در جنایت می داند و جنایت را به همه مستند می کند. آیا می توان در فرضی که هم سبب هم مباشر هر دو قصد جنایت

دارند جنایت را به هر دو مستند دانست، همانند جایی که هم سبب مقدم در تأثیر هم سبب مؤخر در تأثیر چنین قصدی دارند؟ پاسخ منفی است و باید حکم ماده ۵۳۵ را خاص مورد خودش، که اجتماع اسباب است، دانست. زیرا اگر قصد جنایت باعث استناد جنایت به سبب و مباشر شود دیگر معاونت در جرم بی معناست. زیرا از شرایط معاونت آن است که معاون قصد داشته و قصد او با مباشر برابر باشد (تبصره ۲ ماده ۱۲۶) و با وجود این جرم به مباشر مستند است نه معاون.

ممکن است گفته شود معاونت امری و تسبیب امری دیگر است. پاسخ این است که معاونت قسمی از تسبیب است. در واقع سبب بر دو قسم است؛ گاه قوی تر از مباشر است که از آن به فاعل معنوی یاد می شود و گاه قوی تر از مباشر نیست و جرم به او مستند نمی شود، که همان معاون است. برخی حقوقدانان هم این مطلب را پذیرفته اند که برخی موارد معاونت مصداقی از سبب و مباشر است: «در برخی موارد معاونت در ارتکاب جنایت مصداق جمع مسبب و مباشر است. ولی همواره مباشر باید اقوی باشد.» (آقایی نیا ۱۳۹۴: ۱۵۰). برخی دیگر معاون را مصداقی از «اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع اسباب متعدد در طول یکدیگر» می دانند که جرم به او مستند نیست. (صادقی ۱۳۹۴: ۳۵۵). همچنین اینکه فقها ممسک را ذیل سبب و مباشر می آورند، درحالی که ممسک معاون در قتل است، شاهد دیگری بر این مدعاست.

نکته سوم. شاید نتوان مثالی یافت که مورد اجماع همه فقها یا مورد اتفاق نظر همه حقوقدانان مبنی بر استناد جنایت به هر دوی سبب و مباشر باشد. اما مواردی یافت می شود که برخی فقها و حقوقدانان پذیرفته اند.

مثال اول. استناد قتل به مصطحب و رامی. اگر عابری بچه ای را همراه خود بیاورد و تیر به او

برخورد کند و او بمیرد، آیا دیه بر عهده عابر است یا بر عهده تیرانداز یا بر عاقله این دو؟ «گاه عابر (که بچه ای را همراه خود آورده) و تیرانداز هر دو می دانند که عبور از این مکان در معرض تیر خوردن است و گاه هر دو جاهل به این موضوع اند و گاه یکی عالم و دیگری جاهل است. بر فرض اول و دوم بعید نیست که هر دو شریک در قتل باشند. زیرا عرفاً قتل در این حالت به هر دو مستند است ... از همین جا حکم صورت سوم روشن

می‌شود. زیرا قتل به هر دو مستند است. نهایت اینکه قتل نسبت به جاهل خطای محض و نسبت به عالم شبه عمد می‌باشد.» (خویی ۱۴۲۲: ج ۴۲، ۲۸۷).

مثال دوم. استناد جنایت به دافع جاهل و حافر. آیت‌الله خویی می‌نویسد:

«اگر دو نفر یکی مباشر قتل و دیگری سبب قتل باشند، مباشر ضامن است. مثل اینکه کسی چاهی در ملک دیگری حفر کند و فردی نفر سومی را به سمت چاه پرت کند و بیفتد و بمیرد که اگر پرت‌کننده از وجود چاه اطلاع داشته، ضامن بر عهده اوست. اما اگر او جاهل باشد، مشهور معتقدند که ضامن بر عهده حافر است و در این نظر اشکال است و بعید نیست که ضامن بر عهده هر دو (حافر و دافع) باشد.» (خویی ۱۴۲۲: ۳۲۰).

در این مسئله دافع مباشر و حافر سبب است و ایشان هر دو را ضامن می‌داند. ایشان در تحلیل این حکم می‌نویسد:

«اما اینکه حافر ضامن است به خاطر اطلاق ادله است. یعنی ادله‌ای که می‌گوید هر کس در راه عمومی چاهی حفر کند یا اضرار وارد کند ضامن است. و اما اینکه دافع ضامن است چون قتل به او مستند است.» (خویی ۱۴۲۲: ۳۲۱).

از تحلیلی که ایشان آورده روشن می‌شود که ایشان قتل را مستند به هر دو نمی‌داند؛ گرچه هر دو را مسئول می‌داند.

مثال سوم. استناد قتل به ممسک و قاتل در فقه مالکی. ممسک مباشر قتل نیست. زیرا صرف نگه داشتن دیگری عمل کشنده و موجب قتل او نیست و سبب آن است و فقها آن را ذیل تسبیب مطرح کرده‌اند. در فقه شیعه مطابق روایات ممسک قاتل نیست و به حبس ابد محکوم و قاتل قصاص می‌شود. عبارت علامه حلی حاکی از آن است که ایشان به برابری سبب (ممسک) و مباشر (قاتل) باور دارد (حلی ۱۴۱۳: ج ۳، ۵۹۲). بر این اساس شاید بتوان گفت اگر در مورد ممسک نص خاصی نداشتیم، باید به برابری این دو و شرکت این دو در قتل قائل می‌شدیم. برخی حقوقدانان نیز ممسک را شریک می‌دانند (جعفری لنگرودی ۱۳۷۲: ۳۸۹). در فقه اهل سنت نیز در مورد ممسک در قتل عمد فقهای شافعی و حنفی و فقهای حنبلی در یک نقل بر آن‌اند که قاتل قصاص می‌شود و ممسک حبس ابد می‌شود. اما فقهای مالکی و فقهای حنبلی در نقل دیگر

ممسک و قاتل، هر دو، را شریک در قتل می دانند و قصاص هر دو را قبول دارند. در حقوق انگلستان نیز ممسک شریک قتل به شمار می رود (براندن ۱۳۷۶: ۳۷).

مثال چهارم. استناد قتل به اکراه کننده و اکراه شونده مطابق نظر مشهور اهل سنت. اگر کسی دیگری را اکراه بر قتل ثالث کند و او دیگری را بکشد، اکراه کننده سبب قتل و قاتل مباشر قتل است و به همین جهت این فرع را محقق حلی، بعد از آنکه می نویسد تسبیب چهار مرتبه دارد، ذیل انضمام مباشرت انسان به سبب می آورد (حلی ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۸۴). گفتنی است علامه حلی مکره را سبب مساوی مباشر می داند. ولی قصاص را متوجه مباشر می داند. مشهور اهل سنت قتل را به هر دو مستند می داند (کلانتری، ۱۳۹۷، ۸۸) است.

مثال پنجم. استناد سرقت به رباینده و سرگرم کننده:

«فرض کنید دو نفر می خواهند انگشتی گران بها را سرقت کنند و با یکدیگر وارد مغازه گوهرفروش می شوند و یکی از آن دو به سرقت انگشت می کند. منطقی نیست که بتوان گفت در چنین شرایطی چون هر دو در عملیات اجرایی به شکل دقیق وارد نشده اند پس شرکت در جرم منتفی است. چه عقل اجازه نمی دهد چنین تصور کنیم که هر یک از آن دو باید در برداشتن انگشتی کوچک با هم اقدام کنند تا اشکالی از جهت عملیات اجرایی پیش نیاید.» (نوربها ۱۳۷۹: ۲۲۱ - ۲۲۲).

در اینجا رباینده مباشر و سرگرم کننده سبب است.

مثال ششم. استناد جرایم تعزیری و محاربه و افساد فی الارض به سردسته. مطابق ماده ۱۳۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲. سردسته گروه مجرمانه، به رغم آنکه در عملیات اجرایی شرکت نکرده است، چنان نقش پُررنگی دارد که جرم به وی هم می تواند مستند باشد.

ب - ۳. نبود هماهنگی میان ماده ۵۰۴ و ۵۲۶ در زمینه استناد جنایت به سبب و مباشر

به نظر می رسد ماده ۵۰۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مصداقی از اجتماع سبب و مباشر ماده ۵۲۶ است. ولی حکم آن با ماده ۵۲۶ متفاوت است: «ماده ۵۰۴ - هرگاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است، درحالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به

کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست بدون تقصیر برخورد نماید، ضامن متفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.»

بدیهی است راننده مباشر و کسی که آسیب دیده و حضورش در آن محل مجاز نیست سبب است. مطابق این ماده، اگر راننده بدون تقصیر و آسیب دیده مقصر باشد، راننده ضامن نیست؛ وگرنه راننده ضامن است. اطلاق ذیل ماده ۵۰۴ شامل فرضی است: هم راننده هم آسیب دیده هر دو مقصرند؛ هر دو غیر مقصرند؛ راننده مقصر و آسیب دیده غیر مقصر است.

حال مطابق اطلاق ذیل ماده ۵۰۴ باید گفت در هر سه صورت راننده ضامن است؛ یعنی جنایت فقط به مباشر مستند است. این موضوع را می توان در حالت سوم، که راننده مقصر باشد و آسیب دیده غیر مقصر، پذیرفت. اما چرا در دو حالت دیگر، که هر دو مقصرند یا هیچ یک مقصر نیستند، فقط راننده ضامن باشد؟ به خصوص در جایی که هر دو مقصرند، آیا جنایت به هر دو مستند نیست؟ به نظر می رسد اینکه قانون گذار در ماده ۵۰۴ اصلاً صحبتی از استناد جنایت به راننده و هم آسیب دیده نکرده با ماده ۵۲۶ سازگاری ندارد.

ج) پذیرش ضامن سهمی

برای اولین بار است که مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در جایی که دو یا چند عامل سبب ورود خسارت اند و نقش هر یک با دیگری متفاوت است به ضامن سهمی یا ضامن نسبی، یعنی توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار، تصریح می کند. تا پیش از این، قوانین جزایی پس از انقلاب بر تساوی عوامل متعدد در ضامن و مسئولیت تأکید داشتند؛ گرچه میزان تقصیر هر یک با دیگری متفاوت باشد (مثل ماده ۳۶۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰). البته رویه دادگاه ها خلاف این بود و از کارشناسان می خواستند که سهم هر عامل را مشخص کنند و بر اساس آن به پرداخت خسارت و دیه حکم می دادند. ماده ۵۲۶ بر ضامن سهمی تصریح می کند. زیرا مقرر می دارد: «مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول اند.» و مفهوم ماده ۵۲۷ هم بر این مطلب دلالت دارد. زیرا مقرر می دارد: «چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد مساوی باشد ... نصف دیه هر کدام از مال دیگری ... پرداخت می شود.»

ج - ۱. تأملی بر مبانی ضمان سهمی

بحث از مبانی ضمان سهمی از حوصله این نوشتار خارج است و خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبید. اکثر فقها و مراجع معاصر ضمان سهمی را نپذیرفته‌اند و به برابری مسئولیت‌ها قائل‌اند. در بسیاری از روایات که درباره اشتراک اسباب یا مباشرین است هیچ اشاره‌ای به ضمان سهمی نشده، بلکه بیان شده که شرکا به طور مساوی ضامن‌اند. حتی می‌توان از معتبره ذریع محاربی استفاده کرد که به‌رغم آنکه سهم و نقش متفاوت است و یکی موضعه و دیگری دامیه وارد کرده‌اند، حکم به تنصیف دیه داده می‌شود. «از امام صادق پرسیدم حکم مردی که جنایت موضعه‌ای را [جنایتی که سفیدی روی استخوان آشکار شود] و مرد دیگری که جنایت دامیه‌ای را [که باعث خونریزی شده] بر یک عضو مردی [مثلاً هر دو در دست راست] وارد کرده‌اند و مجروح مرده است چیست؟ حضرت فرمود: بر آن دو دیه در اموالشان لازم است؛ هر کدام نصف [هر کدام نصف دیه نفس مقتول را باید بدهند]. (حر عاملی ۱۴۱۶: ج ۲۹، ۲۸۰).

ممکن است گفته شود نمی‌توان گفت مطلق دامیه کمتر از موضعه در قتل مؤثر است. چنانچه دامیه‌ای به طول دو متر با موضعه‌ای به طول دو سانتی‌متر در نظر گرفته شود، یقیناً، این دامیه مؤثرتر از آن موضعه است.

به نظر می‌رسد آنچه باید در قدم اول روشن شود بحث موضوعی است و اینکه آیا مسئولیت قابل تسهیم و درصدبندی است؟ یقیناً اشیای خارجی چنین قابلیت را دارند. مثلاً دو نفر دیواری را تخریب می‌کنند، یکی سه متر از آن را و دیگری یک متر از آن را. ولی مسئولیت شیء فیزیکی خارجی نیست. حال آیا چنین امری قابل تسهیم است؟ کارشناس یا کارشناسان بر چه اساسی می‌نویسند سرعت غیر مجاز ۷۰ درصد نقش دارد و انحراف به چپ ۲۰ درصد و خرابی جاده ده درصد؟ چرا وقتی به کارشناسی اعتراض می‌شود، کارشناسان دوم درصدهای جدیدی می‌گویند و کارشناسان سوم درصدهای دیگر؟ به نظر می‌رسد نمی‌توان پاسخ کلی به این سؤال داد که آیا مسئولیت قابل تسهیم است؟ زیرا در برخی موارد سهم عامل معلوم نیست و آنچه گفته می‌شود جز حدس و گمان نیست. اما در برخی موارد واقعاً عقل و عرف نقش متفاوت را درک می‌کنند. چنان‌که اگر فرض کنیم ده قرص از یک داروی خاص کشنده باشد و دو نفر یکی هفت عدد و

دیگری سه عدد از آن را در غذای دیگری حل کنند و او بر اثر خوردن آن غذا بمیرد، نفر اول یقیناً ۷۰ درصد و نفر دوم ۳۰ درصد نقش داشته است.

اگر بتوان تأثیر متفاوت رفتار مرتکبان جنایت و تلف را به طور قطعی و یقینی درک کرد، به نظر می‌رسد قاعده عدل و انصاف اقتضا می‌کند هر یک بر اساس نقش و سهمی که داشتند مسئولیت داشته باشند و حکم به برابری مسئولیت حکمی ظالمانه است.

ج - ۲. تأثیر ضمان سهمی در دیه و قصاص

مطابق ماده ۵۲۶ در صورتی که جنایت به سبب و مباشر مستند باشد و تأثیر رفتار این دو متفاوت، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند. بدیهی است این تفاوت فقط در دیه مؤثر است؛ وگرنه اگر نوبت به قصاص برسد، تفاوت تأثیر رفتار در قصاص اثری نخواهد داشت. یعنی نمی‌توان مباشری را که ۶۰ درصد جنایت عمدی به او مستند است بیشتر از سببی که ۴۰ درصد به او مستند است قصاص کرد. بله، در فاضل دیه اثر می‌گذارد. مثلاً اگر ولی دم بخواهد هر دو را قصاص کند، باید یک دیه کامل بدهد. حال آیا تقسیم فاضل دیه میان سبب و مباشر به طور مساوی صورت می‌گیرد یا اینکه باید به مباشری که ۶۰ درصد نقش داشته ۴۰ درصد و به سببی که ۴۰ درصد نقش داشته ۶۰ درصد فاضل دیه داده شود؟ این بحث در شرکت در جنایت مباشرین، در فرضی که سهم هر یک با دیگری متفاوت است و ولی دم خواهان قصاص هر دو شریک است، نیز جاری است. اگر اصل ضمان سهمی پذیرفته شود، در فاضل دیه هم باید پذیرفته شود. به تعبیر دیگر، همان گونه که اگر جانی پرداخت‌کننده دیه باشد، به اندازه سهمش در جنایت می‌پردازد، اگر دریافت‌کننده دیه باشد، به اندازه سهمی که در جنایت نداشته، دیه می‌گیرد (← حاجی‌ده‌آبادی و خوانین‌زاده ۱۳۹۶). آیت‌الله خوانساری می‌نویسد: «اگر نص نباشد در جایی که میزان تأثیر شرکا متفاوت باشد حکم به برابری فاضل دیه مشکل است.» (خوانساری ۱۴۰۵: ج ۷، ۱۹۵).

ج - ۳. ضمان سهمی و مواد ۴۵۳ و ۵۳۳

قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ ضمان سهمی را پذیرفته است. اما در مواد دیگر از جمله ماده ۴۵۳ و ۵۳۳ بر تساوی شرکا یا عاقله ایشان در پرداخت دیه تأکید می‌کند. حال چه باید گفت و این مواد را چگونه باید تفسیر کرد؟ سه راه‌حل در اینجا متصور است.

راه‌حل اول آن است که با توجه به مواد ۵۲۶ و ۵۲۷، مواد ۴۵۳ و ۵۳۳ تفسیر شود و بگوییم اینکه این دو ماده بر تساوی تأکید می‌کند در فرضی است که اثر شرکا و اسباب برابر است یا نمی‌دانیم چگونه است؛ وگرنه در فرضی که تأثیر متفاوت باشد و سهم هر یک مشخص باشد به اندازه سهمشان ضامن‌اند. این تفسیر بر این پایه استوار است که ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ خصوصیتی ندارند که ضمان سهمی در آن‌ها پذیرفته شود، ولی، در دو ماده ۴۵۳ و ۵۳۳ و سایر مواد پذیرفته نشود.

راه‌حل دوم آن است که ضمان سهمی را خاص مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ بدانیم و در موارد دیگر به تساوی حکم دهیم. اساس این تفسیر هم آن است که ضمان سهمی خلاف نظر مشهور فقهاست و در خلاف قاعده به قدر متیقن عمل کنیم و قدر متیقن مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ است.

راه‌حل سوم آن است که ضمان سهمی را فقط در ماده ۵۳۳ نپذیریم و در ماده ۴۵۳ و مواد دیگر بپذیریم. این تفسیر به سابقه قانون‌گذاری ماده ۵۳۳ برمی‌گردد. چون در لایحه پیشنهادی برای این ماده ضمان سهمی پیش‌بینی شده بود. ولی، با ایراد شورای نگهبان این قسمت حذف شد. زیرا در ذیل ماده ۵۳۳ ارسالی به شورای نگهبان (با شماره ۵۳۷) در مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۹ آمده بود: «مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد. که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول خواهند بود.» البته چنین وضعیتی در مورد ماده ۴۵۳ وجود ندارد و در لایحه ارسالی بحث میزان تأثیر نیامده بود.

از میان این سه راه به نظر می‌رسد راه دوم منطقی و صحیح‌تر است. گرچه نگارنده بر این باور است که هیچ فرقی میان موارد یادشده نیست و باید در همه به طور یکسان به پذیرش ضمان سهمی حکم داد.

د) نسبت ماده ۵۲۶ ق.م.ا. با ماده ۳۳۲ ق.م.

حکم اجتماع سبب و مباشر در تلف اموال چیست؟ ماده ۳۳۲ در مورد تلف اموال است و ماده ۵۲۶ در مورد جنایت. نوعاً قواعد و احکام اتلاف مال و اتلاف جان و عضو یکسان است و به همین جهت کتاب *العصب* و کتاب *اللدیات فقه* اشتراکات فراوانی دارند. البته تفاوت‌هایی هم این دو با هم دارند. مثلاً، در تلف اموال، عاقله و بیت‌المال هیچ‌گاه ضامن نیستند. آیا می‌توان

نوآوری‌های ماده ۵۲۶ را در ماده ۳۳۲ هم لحاظ کرد و گفت ممکن است تلف مال هم به سبب هم به مباشر مستند باشد و در صورتی که میزان تأثیرشان متفاوت باشد، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول جبران خسارت وارده‌اند؟ یا اینکه باید حکم ماده ۵۲۶ را خاص جنایت دانست؟ پاسخ آن است که می‌توان استناد تلف اموال به سبب و مباشر را و نیز ضمان سهمی را پذیرفت. در واقع، هیچ فرقی میان جنایات و اتلاف اموال نیست. نتیجه آنکه ماده ۳۳۲ ق.م. به وسیله ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نسخ شده است.

ه) نبود اطلاق برای ذیل ماده ۵۲۶ و لزوم اصلاح آن

ذیل ماده ۵۲۶ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز، یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب ضامن است.» در واقع این قسمت از ماده موارد اقوی بودن سبب از مباشر، به گونه‌ای که جنایت به طور کامل مستند به سبب باشد، را بیان می‌کند. آنچه مدنظر است این است که صرف اقوی بودن سبب از مباشری که بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز، مجنون، و مانند آن است باعث نمی‌شود جنایت سبب مستند باشد. مثلاً اگر در اتاقی دیوانه‌ای به سمت الف حمله ببرد تا او را بکشد و الف فرار کند، اما، ب در اتاق را قفل کند و مانع فرار الف شود یا او را نگه دارد یا پایش را جلوی پای الف بگذارد و الف به زمین بخورد و دیوانه به او برسد و او را بکشد، نمی‌توان جنایت را به ب مستند دانست. نیز اگر فردی که پدرش کشته شده به دوستش مراجعه کند و از او بخواهد که اسلحه‌اش را در اختیارش بگذارد تا الف را که قاتل پدرش است بکشد و دارنده اسلحه با وجودی که می‌داند الف قاتل پدر دوستش نیست او را از جهلش مطلع نگرداند و اسلحه را به او بدهد، نمی‌توان جنایت را به مالک اسلحه مستند دانست و او را مسئول حادثه قلمداد کرد. بنابراین، ذیل ماده ۵۲۶ اطلاق ندارد و «صحیح آن است که قسمت اخیر ماده به مواردی محدود شود که در آن‌ها سببیت سبب با بهره‌گیری از شرایطی مانند صغر، جنون، یا جهل مباشر به نحوی واقع شده که مباشر را به منزله آلت در اختیار قرار گرفته است.» (صادقی ۱۳۹۳). عبارت ذیل ماده ۳۳۲ قانون مدنی در این زمینه دقیق است که مقرر می‌دارد: «ماده ۳۳۲ [قانون مدنی] - هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر

تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب؛ مگر اینکه سبب اقوی باشد، به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»

خلاصه و نتیجه

۱. گرچه ظاهر ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ حاکی از سه تغییر عمده در قاعده اجتماع سبب و مباشر است، باید گفت اولین تغییر که حذف اصل ضمان مباشر باشد تغییر به شمار نمی‌رود. زیرا بررسی کلمات فقها و مبانی فقهی نشان می‌دهد اصلی وجود ندارد که مقرر دارد در فرض شک در استناد جنایت به مباشر و سببی که اصل دخالتش در حادثه محرز است اصل بر ضمان انحصاری مباشر است.

۲. دو تغییر دیگر امکان استناد جنایت به سبب و مباشر و توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتارشان در فرض استناد جنایت به هر دو است.

۳. چون اجتماع سبب و مباشر خصوصیتی ندارد که در آن ضمان سهمی پذیرفته شود، قانون‌گذار باید به این امر در ماده ۴۵۳ و ۵۳۳ ق.م.ا. نیز تصریح کند یا در همه موارد به برابری عاملین ورود تلف قائل شود.

۴. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قواعد اتلاف مال و اتلاف جان و عضو یکسان است باید نسخه ماده ۳۳۲ ق.م. را قبول کرد.

۵. صرف اقوی بودن سبب از مباشر باعث استناد جنایت به سبب نمی‌شود و در نتیجه در ذیل ماده ۵۲۶ باید این عبارت شبیه ماده ۳۳۲ ق.م. افزوده شود: «به گونه‌ای که جنایت عرفاً بدان مستند باشد.»

منابع

۱. آقای نیما، حسین (۱۳۹۴). *جرایم علیه اشخاص (جنایات)*، چ ۴، تهران، میزان.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۷۱). *حقوق مدنی*، چ ۱۱، تهران، اسلامیة.
۳. براندن، استیو (۱۳۷۶). *مروری بر حقوق جزای انگلستان*، مترجم: حسین میرمحمدصادقی، تهران، نشر حقوقدان.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*، چ ۶، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۵. حاجی ده‌آبادی، احمد و حسین خوانین‌زاده (۱۳۹۶). «بررسی فقهی - حقوقی فاضل دیه و احکام آن»، *نامه مفید (حقوق تطبیقی)*، ۱۰۷(۱۳)، ۱۵۳-۱۷۴.
۶. حرّ عاملی، حسن (۱۴۱۶). *وسائل الشیعة*، چ ۳، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۷. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام*، چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۸. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۸). *تلکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۱۰. خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیلة*، چ ۲، قم، دارالعلم، ج ۲.
۱۱. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک*، چ ۲، قم، اسماعیلیان.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲). *مبانی تکملة المنهاج (موسوعة الإمام الخویی)*، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی، ج ۴۱ و ۴۲.
۱۳. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳). *کتاب الام*، چ ۲، بیروت، دار الفکر، ج ۶.
۱۴. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳). «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *مطالعات حقوقی شیراز*، ۲(۶)، ۹۷-۱۲۳.
۱۵. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۴). *جرایم علیه اشخاص*، چ ۲۱، تهران، میزان.
۱۶. کلاتری، حمیدرضا (۱۳۹۷). *نظریه مسئولیت در اکراه کیفری*. پردیس فارابی دانشگاه تهران. رساله دکتری. حقوق جزا و جرم‌شناسی.
۱۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*، چ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. نوربها، رضا (۱۳۷۹). *زمینه حقوق جزای عمومی*، چ ۴، تهران، نشر دادآفرین و کتابخانه گنج دانش.